

جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه کشور

بتول سپهری مقدم

در این گزارش جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه کشور پس از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است که با مرور تاریخچه موقعیت و جایگاه زنان در ایران قدیم و دوره‌های گوناگون تاریخی، تحولات مهمی که طی یک قرن گذشته موجب بیداری زنان شده، همچنین خواسته‌ها، نیازها و لزوم توجه به نقش آنان در برنامه‌های توسعه کشور مورد ارزیابی قرار گرفته است تا با زمینه‌سازی فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های کلی برای توانمندسازی زنان بتوان موانعی را که سد راه مشارکت زنان در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است از میان برداشت. زیرا توجه‌داشتن به مسائل زنان جز آسیب به کشور و دورماندن از روند توسعه، ثمری نخواهد داشت.

۱. مقدمه

بدون شك توسعه هر کشور به مشارکت و همکاری همه عوامل آن به‌ویژه عوامل انسانی بستگی دارد. امروزه تمامی صاحب‌نظران و مسئولان اجرایی به این نتیجه رسیده‌اند که سطح توسعه کشورها تابعی از شاخصهای کیفیت گروه‌های گوناگون جمعیتی آنهاست. در این میان، گروه جمعیتی زنان به دلیل ویژگی‌های آنان از نظر تواناییها، مسئولیتها و به‌طور کلی کارکردهایی که در تسریع فرایند توسعه کشور می‌تواند به عهده داشته باشد بسیار قابل‌توجه است. ناآگاهی نسبت به تواناییهای زنان و فراهم نبودن بستر مناسب و ضروری برای رشد و شکوفایی این تواناییها، موجب محروم ماندن کشور و فرآیند توسعه از مشارکت این گروه می‌شود. تجارب کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته مؤید اهمیت و ضرورت قاطع این امر است. در حال حاضر آشکار شده که روند توسعه همه‌جانبه جوامع در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، نیازمند مشارکت کامل زنان و فراهم آمدن فرصتهای لازم برای تبدیل تواناییهای بالقوه آنان به کارکردهای بالفعل و بهره‌مندی جامعه از این تواناییهاست.

اگرچه تمامی انسانها، چه زن و چه مرد در آفرینش برابرند و باید از حقوق یکسانی نیز برخوردار باشند تا بتوانند با بهره‌گیری از امکانات موجود و با توجه به استعدادهاي ذاتي‌شان براي پیشرفت خود، خانواده و جامعه کوشش و فعالیت کنند و تبعیض به هر شکل و دلیل جایز نیست، متأسفانه تبعیض جنسی، بسیاری از زنان را از رشد و شکوفایی استعدادهایشان محروم کرده و کشور را از دستیابی به رشد و توسعه همه‌جانبه باز داشته است. تبعیضی که ریشه در عوامل تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی دارد. اعمال تبعیض ناروا بر مبنای جنس و نادیده گرفتن حقوق زنان که موجب پایمالی شخصیت، حیثیت، استعدادها و تواناییهای زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، موجب شده تا نقش زنان در فرایند توسعه به رسمیت شناخته نشود و در این راستا با مشکلاتی مانند نقصان آینده‌نگری بعضی از مسئولان مواجه شود. تبدیل نیازمندیهای بالقوه زنان در عرصه فعالیتها و زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نیازمند مشارکت کلان کشور است. در این مقاله با مرور برنامه‌های توسعه کشور، جایگاه زنان را در توسعه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

توجه به جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه همان‌طور که در سالهای گذشته مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا میزان مشارکت زنان در فعالیتهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از شاخصهای مهم توسعه همه‌جانبه و مورد توجه سازمان ملل برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی کشورهاست.

هرچند لزوم توجه به نقش زنان در برنامه‌های توسعه را علما و اندیشمندان گوناگون جهانی بارها بررسی و بر آن تأکید کرده‌اند، هنوز تا رسیدن به اهداف توسعه راهی طولانی در پیش است. طی این مسیر با توجه به سوابق فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی کشور نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

۳. تاریخچه موقعیت و جایگاه زنان در کشور

برای درک وضع زنان در ایران و نقش کنونی آنان در توسعه ضروری است که سابقه تاریخی، اجتماعی و مسائل بنیادینی، مانند مقام و منزلت پیشین زنان در جامعه از نظر ارزشها، اعتقادات و باورهای جامعه را مورد توجه قرار داد.

در ایران قدیم که از مراکز تمدن جهان بوده است زنان دارای موقعیت و حرمتی بیش از دیگر ممالک بوده‌اند. اطلاعات موجود درباره وضع زنان در ایران مانند دیگر کشورها، اندک و متناقض است و به دلیل نوشته شدن کلی تاریخ درباره پادشاهان، آگاهی از شرایط توده مردم بسیار مشکل است. هنگامی که زنان در یونان قدیم حتی به عنوان شهروند به حساب نمی‌آمدند در ایران، پادشاهی همای و جنگهای گرد آفرید به عنوان جزئی از تاریخ رقم می‌خورد. زمانی که اعراب دختران خود را زنده به‌گور می‌کردند، آذرمیدخت و پوران‌دخت دختران خسرو پرویز در ایران فرمانروایی می‌کردند و همچنین در دوران بربریت مطلق اروپایی شمالی، زنان مسلمان ایرانی مانند ریحانه دختر حسین خوارزمی تحصیل علم نجوم می‌کردند و به تدریس اشتغال داشتند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که موقعیت و مقام زن در هر دوره به شرایط زمانی، محیطی و چگونگی محاسبات اجتماعی بستگی داشته است. برای مثال، پایه و ارزش نقشهایی که زن در جامعه به عهده داشته به نسبت و میزان آزادی او از موقعیت‌های گوناگون اجتماعی بوده است. به این معنا که حقوق و مقام زن در دوره‌های مختلف نظیر پیش از تاریخ، ایران باستان، پس از اسلام و امروز، همواره تابعی از موقعیت دوران خود بوده است.

دوران مادها در ایران همراه با دوران بینابینی و جانشینی عصر پدرشاهی به جای مادرشاهی است. بر مبنای مدارک موجود، دوران اولیه زندگی اجتماعی عصر حجر و عصر مفرغ، مادرشاهی نام دارد اما پس از آغاز عصر آهن و تکامل ابزار کار، دوره جدیدی از تحول تاریخی نقش زن و مرد شروع شد که همزمان با عصر مادها در ایران است. در زمان مادها، تساوی حقوق زن و مرد در مفهوم مصطلح آن روزگار وجود داشت. در مورد سیاست می‌توان گفت که حتی در حق توارث سلطنت نیز با یکدیگر مساوی بودند به‌گونه‌ای که در بین مادها و پارسیان دختر و داماد پادشاه می‌توانستند سلطنت کنند.

از دوران هخامنشیان اطلاعات بیشتری در دست است. زمینه اجتماعی مقام زن از آغاز هخامنشیان بر مبنای مفاهیم عدالت و مردمی بودن در عصر خود استوار بود. زن در آن دوره در امور سیاست، تعلیم و تربیت و سرنوشت میدان جنگ نقش داشته و مقام و منزلت زن در آن زمان به حدی بود که وقتی اسکندر، داریوش سوم را شکست داد و مادر او را اسیر کرد پادشاه ایران طی سومین نامه خود به اسکندر به پرداخت ۳۰ هزار تالان (واحد پول) برای آزادی مادرش و همچنین پذیرش پسرش نزد اسکندر به عنوان گروگان و همچنین پیوستن همه سرزمین فرات به ضمیمه قلمرو اسکندر حاضر شد. داستانهای بسیار در مورد ماندانا و آتوسا نشان‌دهنده اهمیت زن در عصر هخامنشی است.

از دوره اشکانیان اطلاعات بسیار کمی در دست است. همین اطلاعات اندک نیز نشان می‌دهد که ملکه‌های اشکانی نقش مؤثری در امور سیاسی دولت نداشتند. البته در یک مورد از ملکه موزا، همسر فرهاد چهارم، یاد شده که با پسرش فرهاد پنجم در سلطنت مشارکت داشته است. از نوشته‌ها این‌گونه استنباط می‌شود که در دوره اشکانیان زن موهبتی برای برقراری صلح میان اقوام گوناگون و ملتها بوده و پیوند زناشویی با او سبب یگانگی می‌شده است.

از نوشته‌های کتاب حقوق زن در دوران ساسانیان به تألیف کریستین بارتمه^۱ چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در آن زمان نه تنها زنان نقش مؤثری در جامعه، میان طبقات داشتند، بلکه به بالاترین مقام رسیده و سلطنت کرده‌اند.

البته بیشتر این تحقیقات در مورد زنان طبقه اشراف بوده است به عبارت دیگر تاریخ درباره وضع توده زنان خاموش است. در ایران باستان، تعدد زوجات وجود داشته و حرمسرای پادشاهان ساسانی مملو از زنان و کنیزان بوده است.

شواهد نشان می‌دهد که مذهب زرتشت زمین مناسبی را برای حرمت زنان در ایران فراهم آورده بود. زنان در مذهب زرتشت از ارزش و کرامت بالایی برخوردار هستند، آنان نگه دارنده روشنائی آتش و رکن مهم خانواده به حساب می‌آیند. زن و مرد در مذهب زرتشت هر دو شاخه یک ریواس هستند و در اوستا، بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید شده است. مقام مادر در این مذهب از احترام ویژه‌ای برخوردار است. در دینکرت، به زنان حق مالکیت داده شده است و در صورت مرگ شوهر، سهمی برابر پسر متوفی از ارث به او تعلق می‌گیرد.

در مذهب مانی، همزمان با ساسانیان، زن منشأ ارج و منزلت ویژه‌ای بود، حتی می‌توانست جزء طبقه برگزیدگان دینی قرار گیرد و به عنوان مبلغ یا فقیه دینی به جامعه و دین و آیین خود خدمت کند. پس از هجوم اعراب به ایران، با وجود اینکه دین اسلام به زنان ارزشهای انسانی مورد پذیرش اعطا کرده بود اما با وجود کوششهایی که برای تعالی آنان از انواع قیود اجتماعی، اقتصادی به‌کار برد، به دلیل مواجه شدن با قدرتهای جوامع شرقی (کانونهای گوناگون) فرصت تغییرات در عمل فراهم نشد و در نتیجه، زن مسلمان ایرانی جز چند مورد حقوقی، تا حدودی به همان شکل سنتی باقی ماند.

زنان از دو سو مورد ستمهای فراوانی قرار گرفتند، یکی ناامنیهای خارجی و دیگری کانون سلطنت و پادشاهان جبار که آنها را از نیروهای اجتماعی تا حد یک شی تنزل می‌داد. یورشهای مکرر ترک‌های آسیای مرکزی و قتل و غارت ایرانیان، به ویژه زنان و فرزندان و تجاوز به آنها، همراه با تعدی پادشاهان به حریم خانواده برای سیراب کردن حرمسرای خود، موجب شد که ایرانیان زنان خود را پنهان کنند و به اصطلاح از ناموس خود پاسداری کنند.

در تاریخ ایران، حملات خانمان‌سوز مغول، چنگیز و هلاکوخان و در پی آن تیمور و تیموریان و آشفتگیهای حاصل از حضور آنها مورد بحث قرار گرفته و بررسیها نشان می‌دهد که طی این دوران زن مجموعه‌ای از تضادهاست که گاه در حد شی تنزل یافته و گاه مقدس شمرده می‌شده است.

تعدی پادشاهان نسبت به زنان و دختران، بخشی از تاریخ زندگی هر یک از آنهاست (نمونه‌هایی مانند کریم‌خان زند، شاه‌سلطان حسین صفوی و ناصرالدین‌شاه)، وجود چند زن در تاریخ سیاسی دوره‌های سلطنت کریم خان زند، شاه سلطان حسینی صفوی و ناصرالدین شاه نمایه صحیحی برای سایر زنان جامعه نمی‌باشد.

در دو قرن گذشته نقش بعضی از زنان در تحولات اجتماعی-سیاسی ایران سرمنشأ بیداری و حضور بیشتر در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شد. تا پیش از دوره قاجاریه از حرکت جمعی زنان و نقش آنها در تحولات اجتماعی و جز آن اطلاع چندانی در دست نیست. چند مورد اشاره شده در کتابهای تاریخی، مربوط به نقش آنها در حمایت از سربازان در جنگ با دشمنان است. برای مثال در جنگهای طولانی ایران و عثمانی، در زمان صفویه، زنان آذربایجان لباس جنگ پوشیده و وارد میدان می‌شدند و زنانی که در شهر مانده بودند همین که قشون عثمانی به شهر حمله می‌آوردند از بالای بام بر سر آنها آب جوش می‌ریختند.

بیداری زنان در عصر جدید از دوران قاجاریه آغاز شد، در این دوران حرکت جمعی زنان به دو دوره تقسیم می‌شود. نخست، دوره‌ای که زنان به دلیل نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی حاصل از ناتوانی دولت در برابر دولتهای استعمارگر خارجی و حکومت استبدادی داخلی در پی مردان و به هدایت و تشویق و تأیید آنها به نهضت‌های اجتماعی پیوستند و به‌طور مؤثری در این مسیر کوشش کردند. آنها در این راه از هدفهای مردان پشتیبانی می‌کردند و خواسته‌های مشخصی نداشتند. به عنوان مثال در مورد نهضت تنباکو در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه که توتون و تنباکو در انحصار یک کمپانی بیگانه درآمد، مردم و حتی زنان دربار که تا آن زمان هرگز در برابر اوامر سلطان ایستادگی نمی‌کردند و یاری چنین کاری را نداشتند قلبانها را شکستند و در برابر اوامر صریح و قدرت مطلق سلطان مقاومت کردند. این پافشاری به جایی رسید که دولت به ناچار امتیاز توتون و تنباکو را لغو کرد.

زنان در نهضت مشروطیت نسبت به جامعه بی‌اعتنا و منفعل نبودند بلکه مانند مردان به جنب و جوش درآمدند به-طوری که باید گفت از این تاریخ، بیداری واقعی زنان آغاز شد. در قیام ستارخان (سردار ملی)

بر ضد حکومت استبدادی قاجار و سلطه اجنبی، نیز زنان از همکاری معنوی به وی دریغ نکردند. حتی بین شهدای انقلابی جنازه ۲۰ زن مشروطه‌طلب در لباس مردان پیدا شد. به دلیل همین فداکاریها وقتی بزرگان ملت، قانون اساسی را تدوین کردند حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن را برای همه ملت ایران قائل شدند و به هیچ وجه از دخالت‌کردن زنان در امور حقوقی و سیاسی مطالبی گفته نشد. اما بعدها در جمادی‌الآخر ۱۳۲۷، وقتی نظام‌نامه انتخابات تهیه شد و به تأیید محمد علی شاه رسید زنان به مانند ورشکستگان، مقصران، قاتلان، سارقان، رشد نیافتگان و کسانی که مورد قیومت هستند، در نظر گرفته شدند. به این ترتیب زن از نظر حقوقی و قانونی در ردیف افراد یاد شده قرار گرفت و نه تنها انقلاب بورژوا دموکراتیک برای تغییر بنیانی اقتصادی و سیاسی جامعه شکست خورد بلکه شرایط زنان نیز تغییری نکرد اما دستاورد آن موجب افزایش آگاهی و مبارزات بعدی شد و فعالیت زنان برای حقوق کلی‌تری مانند تعلیم و تربیت آغاز شد.

زنان در دومین دوره به فعالیت جداگانه در راستای مسائل خود پرداختند و به عنوان یک گروه اجتماعی مؤثر حرکت خود را شروع کردند که برخلاف گذشته مورد تأیید و همراهی مردان قرار نگرفت. مخالفان با این‌گونه فعالیت‌های زنان اقدام به دشمنی کردند و موانعی را در مسیر این حرکت قرار دادند. مخالفت‌ها به آن دلیل بود که حرکت زنان را بدعت می‌دانستند و در واقع جامعه آماده پذیرش چنین جهشی نبود. حرکت زنان در این دوره بیشتر خودجوش بود. فعالیت آنها مانند شیوه‌ای بود که مردان انتخاب کرده بودند یعنی ایجاد انجمن‌ها، انتشار روزنامه و مجله و تأسیس مدارس.

پس از این جنبش‌ها، ایجاد اولین مدارس دخترانه و رواج سوادآموزی از مهمترین ویژگی‌های نهضت شناخته شد. قدیمی‌ترین نشانه‌ای که از انتشار یک نشریه تخصصی زنان در دست است مربوط به ۱۲۸۹ خورشیدی است البته بیشتر دگرگونیها مربوط به شهرهای بزرگ بود و زنان روستایی در همان بافت اجتماعی خود باقی مانده بودند.

تغییرات وسیع‌تری در دوره پهلوی آغاز شد و دولت ایران از حالت نیمه‌فئودالی به یک دولت متمرکز و سرمایه‌داری وابسته به آمریکا تبدیل شد. این وابستگی در همه ابعاد زندگی مردم، به ویژه ابعاد اقتصادی و اجتماعی اثر گذاشت. در حالی‌که فرایند نوگرایی امتیازاتی را برای بخش‌هایی از طبقه اشراف و طبقه متوسط در برداشت اما بخش سنتی طبقه متوسط مورد آسیب قرار گرفت که تغییر زنان، بخشی از اختلاف این دو گروه بود. به عبارت دیگر در دوره پهلوی از زنان به عنوان عناصر نوگرایی استفاده شد که این موضوع موجب شکاف کلی بین این دو گروه شد.

همان‌طور که زندگی زنان و تحولات اجتماعی و فرهنگی در دوره قاجار به دور از تعارضات امپریالیسم روسیه و انگلستان نبود تأثیراتی نیز از روابط خارجی نظام اقتصاد سرمایه‌داری پذیرفت که موجب سرگشتگی بین سه عنصر هویت ملی یعنی اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی و غرب‌گرایی شد، در واقع زن، در مرز این ارزشها قرار گرفت.

در ایران مانند سایر نقاط دنیا، بهره‌نوگرایی زنان کمتر از مردان بوده به طوری‌که زنان شهری و روستایی هر یک با توجه به شیوه زندگی خود از دگرگونیها تأثیر پذیرفتند. در حقیقت، نوگرایی به شکاف بین شهر و روستا، افزایش ثروت بدون توزیع مناسب در سطح جامعه و در نهایت طبقاتی‌شدن جامعه منتهی شد.

مطابق طرح سنتی توسعه، مردان هدف اولیه جذب صنعت بودند که به رغم فرصت‌های کاری و دوره‌ای درآمد برای تعدادی از زنان شهری، زندگی اقتصادی بیشتر زنان با فقر مواجه شد و عواملی مانند دگرگونی در مناطق روستایی، افزایش شهرنشینی، مهاجرت از روستاها به شهرها در این دوران، وابستگی اقتصادی زنان را به مردان بیشتر کرد. میزان بی‌سوادی نزدیک به ۸۳ درصد بود و با وجود افزایش میزان تعلیم و تربیت و اشتغال زنان، تغییر مهمی در وضع آنان ایجاد نشد.

از دواجها در سنین کم انجام می‌گرفت و با مهاجرت مردان روستایی به شهرها زنان نیز روستا را ترک کرده و به مردان پیوستند و جمعیت حاشیه‌نشین شهرها را تشکیل دادند. این زنان با از دست دادن شبکه ارتباطی و اجتماعی خود از نظر اقتصادی وابسته شده و علاوه بر نداشتن نقش تولیدی از نظر اجتماعی نیز شرایط محدودی داشتند و با دگرگونی وضع اقتصادی مردان، انقیاد و انزوای بیشتری یافتند.

در ۱۳۴۱ به زنان حق رأی داده شد و در پی آن تعدادی به نمایندگی مجلس و پست وزارت رسیدند اما بیشتر این مشاغل ویژه گروه‌های بالایی اجتماعی بود و مشارکت در سطح عامه جامعه هیچ‌گاه به‌طور واقعی اتفاق نیفتاد.

زنان در ۱۳۴۲ برای احقاق دیگ حقوق و آزادی خود تظاهراتی برپا کردند و در ۱۳۵۰ نخستین انجمن زنان روزنامه‌نگار را تشکیل دادند.

بین دو الگوی زن مدرن غرب‌گرا و زن سنتی، گروهی از زنان تحصیل کرده و شاغل بودند که با غرب‌گرایی مخالف بوده و فرایند نوگرایی را به شیوه زمان شاه، امپریالیستی می‌دانستند. مجموعه عوامل یاد شده موجب شرکت گسترده زنان در جریان انقلاب اسلامی شد. با پیروزی انقلاب اسلامی که به جرأت می‌توان گفت که درصد بیشتری از آن پیروزی، نتیجه حضور فعال زنان در فرایند انقلاب بود و پس از حضور بسیار فعالانه و پررنگ آنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق که مانند سربازان بی‌ادعا به عنوان امدادگر، جبهه‌ها را حمایت می‌کردند، اما جایگاه سنتی زنان در جامعه تغییر قابل توجهی نداشت. بلکه به دلیل وجود عقاید مردسالارانه تلاش شد زنان از زمینه‌های اقتصادی و سیاسی حذف شوند و فقط در شعارها و تبلیغات، آن هم بنا بر مصالح حکومتی، از جایگاه والایی برخوردار شوند در حالی که در عمل همه عوامل به زیان آنان در جریان بود.

پس از جنگ، به دلیل شهادت بسیاری از جوانان، نیاز به حضور بیشتر زنان برای بازسازی کشور ضرورت یافت به طوری که بعضی از محدودیتهای تحصیلی آنان از بین رفت و آنان توانستند رشته‌های گوناگونی را برای تحصیل انتخاب کنند و در زمینه آموزش، تواناییهای خود را به اثبات برسانند.

این موضوع موجب افزایش آگاهیهای بیشتر زنان شد و به سبب تخصص‌هایی که به دست آوردند برای پی‌گیری مطالباتشان جسارت بیشتری یافتند. زنان پس از خرداد ۱۳۷۶ موقعیت مناسب‌تری برای فعالیت در جامعه پیدا کردند. اگرچه به دلیل نبود زمینه‌های مناسب هنوز هم برای فعالیت در جامعه با مشکلات گوناگونی مواجه هستند زیرا همچنان سنجش افراد بر اساس جنسیت آنهاست نه با توانمندیهایشان، هنوز هم نگرشهای فرهنگی جامعه به ویژه دیدگاه تعدادی از مسئولان کشور و گروه‌های صاحب قدرت نسبت به زنان تغییر کلی نکرده و افکار مردسالارانه به مانند سدی بر مسیر فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان مانع از تحقق آرمانهای جنبش زنان و تحقق توسعه در کشور است.

جنبش زنان حرکتی است بر ضد هر نوع تبعیض جنسیت و فرودست شمردن آنها تا به این ترتیب بتوانند حرکت‌های خود را سامان‌دهی و به منصفه ظهور برسانند. پس از انقلاب تاکنون ۳۸ سازمان غیردولتی زنان ایجاد شده که با وجود محدودبودن امکانات، نشان‌دهنده پی‌گیری مطالبات زنان توسط خود آنهاست.

تعاریف سنتی در سالهای گذشته از مفهوم زن بودن و مرد بودن به دلیل موفقیت روزافزون دختران در تحصیل نسبت به پسران و همچنین افزایش زنان نان‌آور خانواده کمتر شده است که دلیل آن را می‌توان در تغییرات تاریخی مناسب بین زن و مرد جست و جو کرد. به رغم افزایش روزافزون تعداد زنان تحصیل کرده و خواهان مشارکتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و افزایش توجه به آگاهی، استقلال اقتصادی و رهایی آنان از بسیاری قیود که سد راه آزادی آنان و برخورداری از شئون انسانی آنهاست هنوز هم سهم اندکی از مشارکت در امور یاد شده را دارند که می‌توان به چند نکته آماری در این مورد اشاره کرد:

الف- نتیجه بررسی تعدادی از نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که سهم زنان در دوره‌های گوناگون از نمایندگی مجلس شورای اسلامی بیشتر از پنج درصد نشده است.

ب- بر مبنای سرشماری سال ۱۳۷۵ از ۱۴/۹ میلیون جمعیت فعال کشور فقط ۲/۱ میلیون نفر زن بودند که از این تعداد ۱/۷۷ میلیون نفر در بخشهای گوناگون اقتصادی شاغل بوده‌اند و نرخ بیکاری زنان در آن سال، برابر ۱۳/۴ درصد بوده است.

ج- در طول سالهای (۱۳۶۵-۱۳۵۵) جمعیت زنان شاغل سالانه ۲/۱۵ درصد کاهش داشته که همین موضوع با وجود رشد سریع اشتغال زنان طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵ (به ویژه سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۰) موجب شده تا سهم زنان در بازار کار در ۱۳۷۵ از ۱۳۴۵ نیز کمتر شود.

د- افزایش تعداد زنان بیکار طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۳۵ به‌طور متوسط سالانه ۱۲ درصد بوده است.

ه- نرخ فعالیت زنان در ۱۳۷۵ برابر ۲/۲۵ درصد بوده که در مقایسه با نرخ فعالیت ۲/۷۹ درصدی مردان، بسیار کم است. نرخ باسوادی زنان در ۱۳۳۵ برابر ۳/۷ درصد بوده، در ۱۳۷۵ به ۲/۷۴ درصد و در ۱۳۸۲ به ۷۶ درصد رسیده که در مقایسه با مردان هنوز هم درصد کمتری از زنان، باسواد هستند.

و- به‌دنبال تحولات قابل‌توجه در میزان تحصیلات زنان در سال ۱۳۳۵ و پس از آن، تعداد دانشجویان دختر از ۲۵ درصد در ۱۳۳۵ به حدود ۴۰ درصد در ۱۳۷۵ و ۶۴ درصد در ۱۳۸۳ افزایش یافت، اما هنوز هم زنان تحصیل کرده کشور به‌دلیل محدودیتهای اقتصادی و فرهنگی، امکان حضور در بازار کار را ندارند و همین موضوع موجب بازده کمتر آموزش زنان نسبت به مردان شده است.

ز- طبق ماده ۲۰ سیاستهای اشتغالی زنان در جمهوری اسلامی ایران، زنان وظایفی نظیر مادری، تربیت نسل آینده، مدیریت خانه و اشتغال را به عنوان لوازم تحقق عدالت، بر عهده دارند. طبق ماده ۴ و ۵ این سیاستها، مشاغلی مانند قضاوت و آتش‌نشانی به‌دلیل ارزشهای اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی متناسب با زنان نیست. همچنین در سازمانها و اداره‌های دولتی، زنان در شغل‌های جزء و معمولی به‌کار گرفته می‌شوند و کمتر مشاهده شده از آنان در رده‌های بالایی اداری و مدیریتی استفاده شود.

ح- از مجموع ۵۵۰ نشریه منتشر شده در ایران فقط ۱۰ نشریه به زنان تعلق دارد.

ط- ۲۹ درصد خانواده‌های زیر خط فقر "زن سرپرست" هستند که حدود ۵۵ درصد زنان سرپرست خانوار شهری و ۷۰ درصد زنان سرپرست خانوار روستایی، کاملاً بی‌سواد هستند.

ی- در حدود ۴۴ درصد از خانواده‌های زن سرپرست، همه اعضای خانواده با بی‌سوادی مواجه هستند و در ۳۷ درصد از این خانواده‌ها هیچ فرد شاغلی وجود ندارد و ۴۵ درصد آنها فقط یک نفر شاغل دارند.

ک- ۳/۷۹ درصد زنان سرپرست خانوار بیمار هستند که گسترش خدمات بهداشتی و درمانی برای آنان الزامی است.

ل- خشونت از دیگر عواملی است که زنان از آن رنج می‌برند اما قوانین مدنی تأمین‌کننده نیازهای زنان در این ارتباط نیست به‌ویژه اینکه بیشتر زنان با حقوق خود آشنا نیستند.

م- در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۸ شاخص توسعه جنسیتی (GDI) برای ۱۶۳ کشور محاسبه شده است که مقدار این شاخص برای ایران ۷۰۷ درصد بوده و ایران رتبه ۹۲ را دارد.

ن- بر مبنای "گزارش توسعه انسانی" که هر سال توسط برنامه عمرانی سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر می‌شود در ۲۰۰۴، ایران از نظر توانمندسازی زنان در بین ۱۴۴ کشور در رتبه ۸۲ و از نظر تعداد کرسیهای زنان در مجلس در بین ۱۷۵ کشور در رتبه ۱۵۱ قرار دارد یعنی چهار درصد کل کرسیهای نمایندگی مجلس در اختیار زنان است. همچنین از نظر فعالیت زنان در سطوح بالایی مدیریتی مقام ۷۱ را با ۱۳ درصد پست مدیریتی در اختیار دارد و از نظر فنی و حرفه‌ای نیز با اختصاص سهم ۳۳ درصدی زنان، رتبه ۷۲ را در جهان دارد. همچنین کشور ما از نظر میزان درآمد زنان در بین کشورها، مقام هشتم را دارد.

۴. برنامه‌های توسعه و جایگاه زنان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزی اصولی در امور کشور با تأخیری چندساله و پس از پایان هشت سال جنگ با عنوان برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مدت پنج سال انجام شد. با بررسی برنامه‌هایی که تاکنون به اجرا درآمده مشاهده می‌شود که نحوه توجه به امور زنان از سوی برنامه‌ریزان و دولتمردان متفاوت بوده و با افزایش درخواستهای زنان، در نهایت برنامه‌ریزان و مسئولان حکومتی، هر چند با تأخیر، ملزم به توجه کردن به این خواسته‌ها شده‌اند که البته هنوز هم این راهکارها آن-طوره شایسته است تأمین‌کننده نیازها و مشکلات زنان نیست.

در برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸) به‌دلیل آنکه پس از هشت سال جنگ، اوضاع اقتصادی کشور بسیار آشفته بود، تمام تلاش برنامه‌ریزان و مسئولان معطوف به بازسازی کشور و مسائل اقتصادی شد و توجه به امور زنان در حاشیه قرار گرفت، فقط در سیاستهای کلان برنامه، در جایی که به افزایش میزان سواد و دانش عمومی جامعه می‌پردازد، افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران دانش‌آموز را مورد توجه قرار می‌داد و اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه و خانواده را یادآوری می‌کرد. طی اجرای برنامه اول تنها یک دفتر با عنوان دفتر امور مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری ایجاد شد که وظیفه آن ارائه مشاوره به رئیس‌جمهور در مسائل زنان بود.

پس از آن طی برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) فقط در تبصره ۶۵ قانون توسعه، دولت مکلف به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان، با توجه به حفظ شئونات اسلامی شد و از پرداختن به مسائل کلی زنان تا حدودی غفلت شد. در حالی که زنان همگام با مردان با همه توان خود در همه زمینه‌های انقلاب و جنگ تلاش کردند، به دلیل عقاید حاکم بر جامعه، بعضی از افراد و حکومت آنها را نادیده گرفتند. طی این مدت وضع زنان به شدت نگران‌کننده بود زیرا در هر کار و برنامه‌ای اولویت با مردان بود به طوری که حتی اولویت استخدام در مشاغل دولتی به مردان اختصاص داشت و زنان به گونه‌ای از اشتغال به‌ویژه در بخش دولتی کنار گذاشته شدند. عدالت اجتماعی و توسعه پایدار ایجاب می‌کند که فاصله‌ای بین نرخ بیکاری زنان و مردان وجود نداشته باشد یا در هر سطحی این تفاوت، بسیار اندک باشد ولی هر روز تفاوت نرخ بیکاری زنان و مردان بیشتر شد.

در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) توجه به مسائل زنان بیش از برنامه اول و دوم بود که این امر یکی از وجوه تفاوت قانون برنامه سوم با دو برنامه پیشین است. علاوه بر مواردی که در فصل هشتم قانون به موضوع زنان اختصاص داده شده ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم نیز به‌طور ویژه موضوع زنان و ضرورت انجام اقداماتی در این زمینه را با توجه به نقش زنان در توسعه اینگونه بیان کرده است که مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در راستای ایجاد زمینه مناسب برای ایفای نقش زنان در توسعه کشور و حمایت از نهاد خانواده با انجام مطالعات کافی با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقداماتی را به عمل آورد از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی ویژه زنان را شناسایی کند و طرح‌های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه‌های اجرایی مربوط تهیه و برای تصویب به مراجع یاد شده پیشنهاد کند.

ب- طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون را که شامل اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوق است، تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه کند.

ج- با سازمان‌دهی فعالیتهای مطالعاتی مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضاییه، طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاه‌های مسئول پیگیری کند.

د- برای بهره‌گیری از خدمات گوناگون اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قائل شدن برای زنان خود سرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌یافته یا کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های مربوط اجرا شوند.

ه- گزارش عملکرد سالانه دستگاه‌های اجرایی را در زمینه اجرای مفاد این ماده به هیئت وزیران ارائه کند.

در این ماده مسائلی مانند نیازهای آموزشی، فرهنگی، شغلی و مسائل حقوقی و قضایی زنان مورد توجه قرار گرفته ولی با وجود بهبود نسبی این مسائل، هنوز هم مشکلات زنان به جای خود باقی است و رفع آنها نیازمند نگرشی عمیق‌تر و کلی‌تر به موضوع است. حتی در ماده ۵۶ با اینکه به‌طور ویژه از زنان نام برده می‌شود و اعلام می‌شود که به زنان بیکار سرپرست خانوار مانند بیکاران ساکن روستاها و افرادی که در بخش‌های فنی و حرفه‌ای آموزش دیده‌اند، تسهیلات وام بدون بهره برای تهیه ابزار کار خود حداکثر تا ۳۰ میلیون ریال پرداخت شود باز هم با توجه به مشکلات وسیع اشتغال زنان، این ماده به تنهایی نمی‌تواند چارساز باشد زیرا که مبلغ وام محدود به زنان سرپرست خانوار می‌شود که دو درصد کل زنان بیکار را تشکیل می‌دهند (آمار سرشماری ۱۳۷۵).

سایر مواد این برنامه نیز که به سیاست‌های اشتغال پرداخته است مانند ماده ۴۸ و ۵۳ به دلایل فرهنگی جامعه نتوانست به افزایش اشتغال زنان کمک کند و گره‌ای از مشکلات آنان بگشاید. به ویژه اینکه بر مبنای تحقیقات انجام شده درباره افزایش نرخ بیکاری طی سالهای گذشته، حمایت از نگرش جنسیتی در مسئولان و بازار کار بیشتر شده و با اشاعه این تفکر که مردان نان‌آور خانواده هستند اولویت‌دادن به مردان، هنگام استخدام و در اشتغال افزایش یافته است. از دیگر اقدامات انجام شده در این برنامه تغییر نام دفتر امور مشارکت زنان به مرکز امور مشارکت زنان است که در ادامه به‌طور مختصر به آن پرداخته می‌شود.

۵. مرکز امور مشارکت زنان

در ۱۳۶۹ دفتر امور مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری ایجاد شد که هدف از تشکیل آن، ایجاد واحدهای تخصصی برای ارائه مشاوره به رئیس‌جمهور در مسائل زنان بود. این دفتر در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲ با تصمیم رئیس‌جمهور، ارتقای سطح یافت و به مرکز امور مشارکت زنان تغییر نام یافت. هدف از ایجاد این مرکز به این شرح است:

الف- مطالعه و بررسی روشهای عملی حمایت از نقش مدیریتی و تربیتی زن در خانواده همراه با افزایش نقش مدیریتی زنان در سطوح بالایی جامعه،

ب- ارائه الگوی زن مسلمان،

ج- تلاش در راستای شناخت مسائل و مشکلات زنان در جامعه، خانواده، محیط کار و پیگیری و اصلاح قوانین مربوط یا وضع قوانین لازم برای رفع مشکلات،

د - مطالعه و بررسی در مورد وضع موجود زنان و تحقیق در زمینه وضع مطلوب با توجه به دیدگاه‌های دین مبین اسلام با تشکیل کمیسیونهای تخصصی،

هـ- برقراری ارتباط با کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس و تأثیرگذاری بر مسائل مربوط به بانوان،

و- برنامه‌ریزی و فراهم آوردن زمینه مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر زنان روستایی و عشایر در فعالیتهای اقتصادی محلی و ارائه نقش مطلوب‌تر خانوادگی،

ز- انجام مطالعات لازم در زمینه آسیبهای اجتماعی مربوط به زنان در جامعه و برنامه‌ریزی و پیگیری در زمینه کاهش آنها در جامعه،

ح- تلاش در راستای تصحیح باورهای سنتی و نادرست رایج در جامعه در ارتباط با نقش زنان و جایگزینی آن با الگوی منطبق با شرع مقدس اسلام.

این مرکز در پی اهداف یاد شده به مطالعه و ارائه طرحهایی برای اصلاح امور و مسائل و مشکلات زنان اقدام کرد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

این مرکز با همکاری دانشگاه تهران و دانشگاه الزهرا به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مطالعات گسترده در زمینه مسائل زنان، اقدام کرده که انجام پژوهشهای کلی در زمینه اشتغال، مسائل و مشکلات فرهنگی و نیازهای آموزشی زنان، حمایت از پایان‌نامه‌های تحصیلی برای حمایت از تحقیقات مربوط به مسائل زنان، حمایت مالی و تأمین منابع مورد نیاز، حمایت از تحقیقات و پژوهشهای زنان و توسعه رشته مطالعات زنان، محور مهم آنهاست.

به طرحهایی شامل جذب دخترانی لازم‌التعلیم با همکاری آموزش و پرورش، توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای دختران و زنان کشور با همکاری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، توانمندسازی زنان در کشورهای مسلمان و در پی آن افزایش مشارکت مؤثر نمایندگان در نشست‌ها و اجلاسهای بین‌المللی و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیریها با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در قالب سه پروژه (برگزاری کارگاه آموزشی نقش مردان در جاری‌سازی نگرش جنسیتی در برنامه‌های کلان، برگزاری کنفرانس بین‌المللی زنان مسلمان، چالشهای فرارو، راهبردها و چشم‌اندازهای آینده‌نگر، برگزاری دوره آموزشی برای ۵۰ نفر از نمایندگان سازمانهای دولتی و غیردولتی که زمینه فعالیتشان با مسائل زنان مرتبط است) می‌توان اشاره کرد.

طرحهای اصلاح باورها و نگرشهای فرهنگی نسبت به زنان با همکاری صدا و سیما در قالب تهیه و پخش ۲۰۰ ساعت برنامه در زمینه مسائل زنان، افزایش شرایط فرهنگی زنان مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته، توسعه ورزش بانوان با همکاری سازمان تربیت‌بدنی در ۱۰ استان کشور (شامل دو فعالیت اصلی، یکی، توسعه ورزش عمومی بانوان در استانهای کمتر توسعه‌یافته و دوم، توسعه ورزش زنان روستایی)، توسعه تعاونی زنان و حمایت از تشکیل آن با همکاری وزارت تعاون و وزارت جهاد کشاورزی، سازماندهی زنان شاغل در صنایع دستی، حمایت از تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار، نظام جامع حقوقی با همکاری دانشگاه مفید با هدف بررسی قوانین و مقررات گذشته کشور در زمینه زنان و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع نواقص و خلاءهای قانونی بر مبنای موازین اسلامی و مقتضیات زنان، طرح جامع جمعیت و توسعه با همکاری

صندوق جمعیت ملل متحد که در قالب آن پروژه‌هایی همچون پروژه حمایت از حق بهداشت باروری و توانمندسازی زنان (۱۳۷۹-۱۳۸۳) از دیگر موارد است. همکاری با دستگاه‌های اجرایی برای پیش‌بینی و اقدام‌های لازم برای اجرای ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه، طرح ارتقای سطح مشارکت زنان در زمینه‌های کلان مدیریتی که بر مبنای این طرح، دستگاه‌های دولتی وظیفه دارند از زنان تحصیل‌کرده در پست‌های مدیریتی، بیشتر استفاده کنند.

مرکز امور مشارکت زنان در اجرای برنامه ۲۰۲۲۸ (مشارکتهای اجتماعی و فرهنگی زنان) یا مجموع کارکردها و وظایفی که در امور زنان قابل هزینه شدن است نقش نظارتی دارد که با پیشنهاد و تلاش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در لایحه بودجه و با تصویب مجلس در قانون بودجه ۱۳۸۲ کشور گنجانده شد.

امور زنان عبارت است از مجموعه اموری که در آنها بین دسترسی زنان به امکانات و بهره‌مندی از تواناییهای زنان با شاخصهای عمومی کشور فقط بر مبنای جنسیت، تفاوت وجود دارد دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی موظف شدند در قالب ضوابط اجرایی بودجه ۱۳۸۲ کل کشور آن را با اولویت‌بندی زیر اجرا کنند.

الف- شناسایی آموزش‌های رسمی و غیررسمی زنان، به‌ویژه آموزش‌های مربوط به مهارت‌آموزی با رویکرد تنوع‌بخشی، کیفیت‌بخشی، متناسب‌سازی و متعادل کردن آموزش‌ها،

ب- اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری مناسب برای بروز توانمندیهای زنان و ایفای نقش آنان،

ج- بهینه‌سازی اوقات فراغت زنان از طریق افزایش توان دسترسی به شرایط و برنامه‌های تفریحی، ورزشی و فرهنگی،

د- زمینه‌سازی برای افزایش فرصتهای شغلی زنان و متعادل کردن بازار کار از نظر عرضه و تقاضای نیروی کار زنان،

ه- آماده کردن شرایط ورود زنان نخبه به نظام برنامه‌ریزیهای کلان ملی و منطقه‌ای،

و- توسعه خدمات مشاوره حقوقی و قضایی به زنان و گسترش آموزش‌های حقوقی،

ز- توانمند کردن سازمانها و انجمنهای غیردولتی زنان،

ح- آماده کردن زمینه مناسب برای فعالیت زنان در مجامع بین‌المللی با تأکید بر مشارکت سازمانهای غیردولتی،

ط- کمک به تأسیس و توانمند کردن تعاونیهای زنان و حمایت از زنان کارآفرین،

ی- حمایت از پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا در زمینه مطالعات زنان،

ک- حمایت و تشویق زنان هنرمند، محقق، نویسنده و مترجم.

ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه با چهار سرفصل آموزشی، فرهنگی، حقوقی و اشتغال در نهادینه‌شدن امور مشارکت زنان در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. مطابق این ماده در سطح استانهای کشور، اعتباری در اختیار (کارگروه‌های زنان) شورای برنامه‌ریزی و توسعه استانها قرار می‌گیرد تا با شناخت وضع زنان در استانها و نقاط قوت و ضعف آن در راستای رفع مشکلات زنان تلاش شود اما باید اذعان داشت که اجرای کامل و دقیق برنامه ۲۰۲۲۸ نیاز به آموزش، درک صحیحی از موضوع، آماده کردن زمینه فرهنگی و پذیرش اهمیت و ضرورت موضوع از سوی مسئولان دارد.

در زمان بررسی برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) که اولین برنامه از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است لایحه آن در مجلس شورای اسلامی دستخوش تغییراتی شد. در تعدادی از مواد فصول گوناگون، رویکردی برای رفع نابرابریهای جنسیتی وجود داشت و همه دستگاه‌های دولتی را ملزم به برنامه‌ریزی با نگرش جنسیتی می‌کرد. به‌گونه‌ای که حذف تبعیضها و ایجاد فرصتهای برابر برای همه اشخاص، موردنظر برنامه‌ریزان بوده است. مواردی همچون دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و فرصتها، اصلاح قوانین و مقررات در راستای برابریهای جنسیتی، افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیریها، ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای افزایش توانمندیهای زنان، حمایت و گسترش دوره‌های کارآفرینی زنان، تقویت و حمایت از نهادهای غیردولتی مدافع حقوق زنان، تعادل جنسیتی در بازار کار، ایجاد ظرفیت در بخش خدمات با هدف اشتغال دختران دانش‌آموخته، گسترش تأمین اجتماعی برای زنان بدون شغل و پوشش‌های حمایتی، افزایش مشارکت زنان در نهادهای مدنی، حمایت از زنان سرپرست خانوار و جز آن که می‌توان پیش‌بینی کرد با اجرای آنها بخشی از مطالبات زنان جامعه برآورده شود. اما آنچه موجب نگرانی است دیدگاه نمایندگان مجلس

هفتم و اعضای شورای نگهبان نسبت به زنان بود. زیرا در پی ایراداتی که شورای نگهبان به لایحه برنامه چهارم توسعه گرفته بود نمایندگان مجلس، برقراری عدالت جنسیتی را از متن برنامه چهارم حذف کردند. در حال حاضر یکی از مواد مهم برنامه چهارم، ماده ۱۱۱ بخش چهارم، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی است که در آن دولت موظف شده با هدف توسعه فعالیت زنان در جامعه و افزایش فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور اقداماتی را انجام دهد که برخی موارد آن شامل:

الف- تدوین و تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به-ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فن‌آوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به آنها،

ب- تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده، برای تصویب در مراجع مربوط،

ج- انجام اقدام‌های لازم مانند تهیه برنامه‌های پیش‌گیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت بر ضد زنان،

د- تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی.

همچنین همه دستگاه‌های اجرایی موظف هستند اعتبار لازم برای انجام تکالیف موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی است در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

در نهایت، به رغم نگرش مثبت برنامه‌ریزان در برنامه‌های توسعه نسبت به زنان به منظور پویایی قدرت زنان در فرایند توسعه و بهبود جایگاه زنان در امور گوناگون، مسئولان باید توجه بیشتری به این موضوع داشته باشند که با توجه به رشد جمعیت و افزایش زنان تحصیل‌کرده و جویای کار، نه فقط دستیابی به توسعه ممکن نخواهد شد بلکه شرایط به مراتب بدتر از اکنون می‌شود هر چند زنان برای دستیابی به حقوق و جایگاه واقعی خود (مادی و معنوی) تلاش خواهند کرد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

میزان مشارکت زنان در فعالیتهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که از شاخص‌های مهم توسعه همه جانبه است، مورد توجه سازمان ملل برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی کشورهاست. این شاخصها بر مبنای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در ایران بسیار پایین است که نشان‌دهنده ناکافی بودن توجه برنامه‌ریزان و مسئولان کشور به این موضوع است.

زنان توانایی‌های بالقوه بسیار دارند که می‌توانند کشور را در راستای دستیابی به اهداف توسعه یاری کنند. بررسی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نشان‌دهنده توجه مثبت مسئولان به این موضوع است زیرا در هر برنامه نسبت به برنامه پیشین توجه بیشتری به زنان، نیازها و سهم بسیار ثمربخش آنان در فرآیند توسعه کرده‌اند (هرچند ناکافی) اما هنوز هم بعضی افراد و گروه‌های صاحب قدرت به‌دلیل افکار مردسالارانه خواهان تداوم نقش سنتی زنان بوده‌اند و با ایجاد مانع، تلاش در محصور و محدودکردن زنان دارند. هر چند زنان با تلاش بسیار و مشارکت در سطوح گوناگون آموزشی و کسب مهارت‌های لازم تلاش کرده‌اند میزان بهره‌مندی حقوق خود را افزایش داده و در این راه نیروی بسیاری صرف کرده‌اند، هنوز هم برای اثبات توانمندی‌های خود راهی

طولانی پیش رو دارند زیرا باید ساختارهای موجود (ساختار خانوادگی، اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی و حتی ساختارهای فردی و شخصی) را بشکنند تا بتوانند به خواسته‌های خود دست یابند.

بدیهی است که دیگر نمی‌توان از ورود زنان به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جلوگیری کرد زیرا به غیر از افزایش نارضایتی‌ها، آثار نامطلوب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر جای خواهد گذاشت و با بازماندن کشور از توسعه، در سطح جهانی از اعتبار ایران خواهد کاست. از این رو ضرورت دارد که برنامه‌ریزان و مسئولان در برنامه‌ریزی‌های توسعه، زمینه رشد و تعالی زنان و در پی آن رشد و توسعه کشور را به عنوان قشری قابل توجه که دارای توانایی‌های بسیاری هستند به حساب آورند.

در حال حاضر موانع و محدودیتهای مشارکت زنان در توسعه که ریشه فرهنگی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی دارد بر همگان آشکار شده است و باید راه رفع این موانع را هموار کرد. وقتی در آمار رسمی اعلام می‌شود که در کشور، یک میلیون زن سرپرست خانوار وجود دارد (طبق آمار غیررسمی سه میلیون نفر) چه کسی می‌خواهد مانع از اشتغال زنان شود، آیا به غیر از نشانه‌گیری فقر بیشتر برای خانواده‌ها با نادیده گرفتن نیروی عظیمی که می‌تواند در تولید مشارکت کند، بنیان اقتصادی جامعه و کشور، دچار تزلزل و بحران خواهد شد؟ چه کسی می‌خواهد که زنان در تعیین سرنوشت خود مشارکت نداشته باشند، مگر نه اینکه کرامت‌بخشیدن و شخصیت‌دادن به زنان یک اصل است پس چگونه وقتی کسی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم می‌شود به او ارزش و بها داده شده است؟

هر چند زمان بسیاری سپری شده، هنوز هم می‌توان درباره راهبردهای موجود توسعه و به‌کارگیری زنان در فرایند توسعه با توجه به نیازهای کشور و اهمیت آن در سطح جهانی، در ارزشهای اجتماعی و فرهنگی جامعه تجدید نظر کرد و با اتخاذ سیاست‌های مناسب برای تأمین منافع بیشتر افراد جامعه (نه فقط منافع یک گروه ویژه) و تغییر و تحکیم ساختار مناسب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اقدام کرد. این موضوع نیازمند تلاش بیشتر و اقدامات بی‌سابقه‌ای است که باید در ارتباط تنگاتنگ با توده عظیم مردم، زنان و مردان اجرا شود.

از کلی‌ترین اقدامات در این مسیر، آماده کردن زمینه فرهنگی است "زیرا که موانع فرهنگی و عرفی مانع بروز استعدادها و به‌کارگیری ظرفیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان شده است" تا بتوان با زدودن اذهان و افکار از خرافات و نظایر آن، به زن به عنوان یک انسان، ارزش و بهای لازم را داد. انسانی که آزاد به دنیا می‌آید و باید آزاد زندگی کند و در طول زندگی خود از همه حقوق مادی و معنوی برخوردار باشد.

دیگر اینکه باید زمینه‌هایی توانمند کردن زنان را با ایجاد فضای مطمئن برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان، بیش از پیش فراهم کرد و با برطرف کردن موانع فرهنگی و تغییر قوانین، زمینه دستیابی آنان به برابری و عدالت فراهم شود تا آنان بتوانند به‌طور کامل در فرآیند سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیری‌های همه‌جانبه‌های زندگی خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مشارکت کنند زیرا توجه نکردن به مسائل زنان جز زیان به کشور و دور ماندن از توسعه، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

منابع

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، مرکز مدارك اقتصادي، اجتماعي و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، مرکز مدارك اقتصادي، اجتماعي و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، مرکز مدارك اقتصادي، اجتماعي و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، مرکز مدارك اقتصادي، اجتماعي و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، مشاركت سياسي زنان در ايران، تهران: دفتر مطالعات سياسي و بين المللي، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

نگاهی به یافته‌های پژوهشگران ایران و سازمان ملل در بررسی عمده‌ترین مسائل بهداشتی، اجتماعی و حقوقی زنان، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۷۷۰، (۱۳۸۲/۲/۲۴)، پروژه مشترك مركز امور مشاركت زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق جمعیت ملل متحد در ایران (UNFPA)، انتشارات انجمن بهداشت و ارتقاء خانواده.

هفته‌نامه خبری-تحلیلی برنامه (۱۳۸۲/۷/۱۹)، گزارش "با حمایت مرکز امور مشارکت زنان طی سال جاری ۳۱ هزار فرصت شغلی برای زنان ایجاد می‌شود" سال دوم، شماره ۳۷، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.